

بررسی مقایسه‌ای رضایتمندی زناشویی بین زنان ایرانی ازدواج کرده با مردان ایرانی و غیر ایرانی

محسن ایمانی نایینی^۱، محمود صادقی^۲ و فاطمه عبدی^{۳*}

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی مقایسه‌ای رضایتمندی زناشویی بین زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع بیگانه و ایرانی است. این پژوهش از نوع میدانی و روش آن نیز علی - مقایسه‌ای است. نمونه مورد بررسی در این پژوهش، متشکل از دو گروه ۱۲۰ نفری از زوجین با ازدواج مختلط مراجعه کننده به اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری تهران و گروه دوم نیز جهت مقایسه پس از انتخاب منطقه ۱۶ تهران به صورت تصادفی ساده از بین مناطق جنوبی تهران، از بین زوجین عادی به شیوه نمونه در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه رضایتمندی زناشویی انریچ (Enrich) استفاده شد. برای بررسی رابطه بین متغیرها، در فرضیه‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و بنا به ماهیت فرضیه‌ها و برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش و جهت مقایسه میانگین‌ها و مجموع رتبه‌های دو گروه از آزمون t برای دو گروه مستقل و برای مقایسه میانگین سه گروه رضایتمندی بالا، پایین و متوسط آزمون X^2 (کا اسکوتر) استفاده گردید. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میزان رضایتمندی زناشویی زنان در گروه مختلط نسبت به زنان در گروه ساده کمتر است و گروه با ازدواج مختلط نسبت به گروه ساده رضایتمندی کمتری نشان دادند. همچنین، بین سه گروه رضایتمندی بالا، متوسط و پایین هم توزیع یکنواختی دیده نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: رضایتمندی زناشویی، ازدواج مختلط، اتباع و تابعیت.

۱- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس گروه علوم تربیتی eimanim@modares.ac.ir

۲- دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس گروه حقوق sadegh_m@modares.ac.ir

۳- مدرس دانشگاه غیر انتفاعی مفاخر رفسنجان

*- نویسنده مسئول مقاله: Fa.abdi33@gmail.com

پیشگفتار

همچنان که ممکن است بین زن و مردی که هر دو تبعه ایران هستند، پیمان ازدواج بسته شود، ممکن است این عقد، بین زن و مردی هم که یکی از آنها ایرانی است و دیگری تبعه کشور خارجی است، وقوع یابد. بر اساس اصول انسانی و اعلامیه جهانی حقوق بشر نباید در ازدواج اشخاص محدودیتی قائل شد (در اسلام برای ازدواج حدود و ثغوری در نظر گرفته شده است: مثلاً زن مسلمان نمی تواند با مرد کافر ازدواج کند) زیرا انسانیت اصل و تابعیت و ملیت فرع بر آن می باشد، قوانین کشور ما نیز ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه را پس از انجام تشریفات مخصوصی که بنا به مصالح زنان ایرانی و جامعه در نظر گرفته شده است، مجاز می دانند. امروزه به دلیل گستردگی ارتباطات جهانی، مهاجرت ها و برهم خوردن مرزهای جغرافیایی، هم چنین، افزایش مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور (که از نشانه های گریزناپذیر جهانی شدن و کم رنگ شدن و یا حذف مرزها در آینده هستند) و با توجه به اقدام های بشر دوستانه جمهوری اسلامی ایران در پذیرش آوارگان کشورهای گوناگون بویژه افغانستان و عراق، مسئله ازدواج با صاحبان ادیان دیگر و نیز اتباع بیگانه به گونه جدی خودنمایی می کند و بار مضاعفی در ابعاد گوناگون از جمله اجتماعی، امنیتی، آموزشی و غیره برای دولت ایجاد کرده است. در این ازدواج ها که اغلب زنان ایرانی با مردان افغانی و عراقی ازدواج می کنند، افزون بر بوجود آوردن مشکلات اجتماعی و حتی سیاسی بر شرایط خانوادگی آنان نیز تاثیر بسزایی دارد. یکی از شرایط محیط ایمنی بخش، وجود یک خانواده مستحکم، گرم، صمیمی و مبتنی بر احترام متقابل است. به گونه ای که راحتی و آسایش همسران و اعضای خانواده را در پی داشته باشد؛ از سوی دیگر، استواری و استحکام خانواده به ازدواج و رابطه زناشویی پایدار و بنیادین بستگی دارد؛ یعنی، هر گونه تزلزل و سستی در رضایت زناشویی و یا وجود یک ازدواج ناموفق، افزون بر آن که آرامش روانی زوجها را مختل می کند، بقا و دوام خانواده را نیز در معرض تهدید قرار می دهد. پیمان زناشویی، ازدواج دو شخصیت است، اما آنچه در ازدواج مهم است، سازگاری زناشویی و رضایتمندی زناشویی می باشد. سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیش تر مواقع، احساس ناشی از خوش بختی و رضایت از هم دیگر دارند (Sinha & Mukerjee, 1990). بنابراین، در درجه نخست به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری هایی که خانواده و رضایت زوجین از زندگی مشترک در امور جامعه دارد، هم چنین، با توجه به اینکه پژوهش در زمینه ازدواج و زندگی زناشویی از ضروریات جامعه ایران می باشد، بر آن شدیم با اجرای پژوهشی، تبیین و تحلیل دقیق تری از رابطه رضایت زناشویی بین ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی در مقایسه با ازدواج های زنان ایرانی با مردان ایرانی به دست آوریم زیرا پیشرفت و سربلندی هر جامعه ای به اصلی ترین هسته آن یعنی خانواده بستگی دارد. حال اگر در خانواده ای همسران از

کیفیت رابطه با هم رضایت کافی داشته باشند، می‌توانند فرزندان سالم از لحاظ جسمی و روانی به جامعه تحویل بدهند. در چنین پهنه و چشم اندازی است که موضوع این پژوهش شکل گرفته است. از آنجا که ازدواج امری حیاتی در زندگی هر فرد امید است با نتایجی که بدست می‌آید، بتوان به گسترش ارتباطات سالم و بالنده زوجین همت گماشت و زمینه تحکیم روابط زناشویی در خانواده‌های دارای مادر ایرانی و پدر خارجی فراهم شود و با اقدام‌های لازم آسیب‌های ناشی از این ازدواج‌ها را به حداقل رساند و ثبات و استواری نهاد خانواده و در نهایت، پرورش فرزندان سالم تضمین شود.

مبانی نظری

از دهه (۱۹۹۰) مطالعه علمی رضایتمندی زناشویی با جهت‌گیری‌ها و اهداف گوناگون مورد توجه گسترده پژوهشگران قرار گرفته است. مطالعات رضایتمندی زناشویی در ابتدا بر جنبه‌های ناملموس، متمرکز بوده و به تدریج مطالعات عینی در این باره توسعه یافته است. سلامت خانواده و اعضای آن نیز در چنین رویکردی از اهمیت زیادی برخوردار است. این موضوع از جهت برنامه‌ریزی برای ازدواج‌های موفق و یافتن راه‌هایی برای کاهش مشکلات زناشویی و فشارهای ناشی از آن اهمیت دارد. رضایتمندی زناشویی مفهومی است که در بحث از کیفیت ازدواج مطرح می‌شود، اما معادل با آن نیست. بنا به تعریف رضایتمندی زناشویی عبارت است از «حالتی که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن، احساس شادمانی و رضایت دارند» (Mahmoudi, p.31, 1387).

به گفته کامینگ (Coming., 1997) رضایتمندی زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد و سنگ زیر بنای عملکرد خانواده است و ایفای نقش والدینی را آسان می‌سازد، بر اساس پژوهش‌های انجام شده رضایت زناشویی، عمر زن و شوهر را طولانی می‌کند (Coombs & Rober, 1991). روابط رضایت بخش در بین زوجین از راه علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر، پذیرش و تفاهم با یکدیگر قابل ارزیابی است از سوی دیگر، وجود ناسازگاری زناشویی افزون بر ایجاد مشکل در موارد بالا، باعث اشکال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی، انحرافات اخلاقی، و افول ارزش‌های جامعه در بین زوجین می‌شود (Bradbury, 2000). جنیفر. ال. براتر و کارل. اسپچباچ (Karl Eschbach & Jenifer Bratter, 2006) در ایالات متحده آمریکا مطالعه‌ای را با عنوان «ازدواج‌های بین‌نژادی و استرس‌های روانی» انجام داد. در این مطالعه ارتباط بین ترکیب نژادی زوج‌ها و استرس‌های روانی بر روی افراد بررسی شد. در این مطالعه ۵ ساله که از سال ۱۹۹۷ آغاز شده بود، از داده‌های پیمایش مصاحبه‌ای سلامت ملی برای

بررسی فشارهای روانی میان افرادی که ازدواج های بین نژادی داشتند، در مقایسه با زوج های هم نژاد استفاده شد.

روت (Root, 2001) در گزارش خود به این نکته اشاره کرد که هنوز هم برخی از افرادی که به سمت ازدواج بین نژادی روی می آورند، با بی مهری شدید خانواده ها، دوستان و سایر افراد اجتماع روبه رو می شوند.

در یک بررسی، با عنوان "استانداردهای رابطه و رضایتمندی زناشویی در بین زوجین چینی و آمریکایی" به بررسی استانداردهای ذهنی و تفاوت های فرهنگی بر رضایتمندی زناشویی، در بین دو نمونه از زوجین چینی و آمریکایی پرداخته شد. نتایج نشان دادند که تفاوت های جنسی تأثیر کمی در استانداردهای رابطه ای دارند، اما بین زوج های چینی و آمریکایی، تفاوت فرهنگی زیادی وجود دارد. تبعیت از استانداردها و درجه توافق زوجین بر استانداردها، با سطح سازگاری زناشویی همسران ارتباط دارند و این تأثیر برای هر دو نوع فرهنگ، وجود دارد (Epstein, 2005).

براتر و همکارش (Jenifer Bratter, etc, 2006) در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که افزایش فشارها و ناراحتی های روانی در افرادی که ازدواج بین نژادی داشتند، بیش تر است. شرکات (Shrkat, 2004) پس از بررسی پژوهش های خود به این نتیجه رسید که اختلاف دینی در خانواده ها موجب بروز مشکلاتی برای ازدواج می شود که منجر به کاهش رضایت زناشویی و طلاق می گردد. مطالعات موردی که در مورد این زوج ها انجام شده است، حاکی از مشکلات آنها در زمینه وارد شدن به شبکه های اجتماعی و خانوادگی بزرگ تر بوده است. پس تأکید بر همسانی و شباهت ها عاملی برای رضایت زناشویی و تداوم زندگی است.

پژوهش های شیوتا و لینسون (Shiota & Levenson, 2007) وظیفه شناسی زوجین را پیش بینی کننده خوبی برای رضایتمندی زناشویی می داند. پژوهشی در رابطه با ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه به وسیله پژوهشکده امیرکبیر مشهد در سال ۱۳۸۷ انجام شده است. در این پژوهش به روش پیمایشی و با حجم نمونه ۳۰۲ نفر به ویژگی های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دو گروه از زنان مزدوج با مردان خارجی و زنان مزدوج با مردان ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به داده های بررسی شده، وجود تعارضات روحی و روانی در زنان مزدوج با مردان خارجی پیش و پس از ازدواج از فراوانی و درصد بالایی برخوردار می باشد. بر اساس مطالعه ای که در مورد ازدواج های ناهمسان و همسان از لحاظ مذهبی صورت گرفته معلوم شده است که بیش تر ازدواج های ناهمسان از نظر مذهبی با شکست روبه رو شده اند و میزان طلاق در این گونه ازدواج ها بیش تر از ازدواج های همسان است (Attari, 1385).

شاکریان و همکاران (Shakerian, etc, 1968) به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با رضایت‌مندی زناشویی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شخصیتی زوجین پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری از رضایت زناشویی است.

"بررسی حقوقی ازدواج افغانی با ایرانی" نخستین پژوهش علمی است که به وسیله حکیمی (Hakimi, 1988) (حقوقدان افغان) در آن به موضوع مهم سرنوشت هزاران زوج افغانی و ایرانی پرداخته است. در این کتاب عوامل مؤثر در ازدواج مختلط مورد توجه قرار می‌گیرد و از فاکتورهایی چون: مشترکات فرهنگی و مذهبی، گستردگی سطح تماس افغان‌ها با اتباع ایران، حضور درازمدت افغان‌ها در ایران، تداوم بحران در افغانستان، انگیزه تحصیل در شرایط بهتر در ایران و غیره به عنوان عوامل مؤثر در ازدواج مختلط یاد می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه نخست: میزان رضایت‌مندی زناشویی در گروه با ازدواج مختلط نسبت به گروه با ازدواج ساده کمتر است.

فرضیه دوم: میزان رضایت‌مندی زناشویی زنان در گروه مختلط کمتر از زنان در گروه با ازدواج ساده می‌باشد.

فرضیه سوم: میزان رضایت‌مندی زناشویی مردان بیش‌تر از زنان در گروه با ازدواج مختلط می‌باشد.

مواد و روش کار

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری و گروه نمونه

روش پژوهش با توجه به اینکه پژوهشگر درصدد دستکاری^۱ متغیرها نیست و شکل‌گیری متغیرها قبلاً صورت گرفته است، می‌توان این مطالعه را در مقوله طرح‌های پس‌رویدادی^۲ و توصیفی^۳ تلقی نمود. البته با توجه به اینکه فرضیه مقایسه‌ای داریم، می‌توان طرح را در مقوله علی - مقایسه‌ای^۴ نیز قرار داد. در واقع روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه زنان و مردان متأهل تهران در سال ۱۳۸۸ می‌باشند. گروه

^۱. Manipulation

^۲. Ex-post facto

^۳. Descriptive

^۴. Causal-Comparative

نمونه در این پژوهش زوجین دارای ازدواج مختلط مراجعه کننده به اداره کل امور اتباع استانداری تهران و زوجین عادی منطقه ۱۶ شهر تهران می باشند. تعداد نمونه آماری در این پژوهش با توجه به ماهیت و نوع پژوهش، ۲۴۰ نفر می باشد. ۱۲۰ نفر زن و مرد با ازدواج مختلط از مراجعه کنندگان به اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری تهران و ۱۲۰ نفر زن و مرد با ازدواج ساده از ساکنین تهران می باشند.

روش نمونه گیری در این پژوهش، به دلیل مشکلات و محدودیت های پژوهشگر در دسترسی به زوجین و امکان پذیر نبودن نمونه گیری جامع و کامل (چارچوب نمونه گیری) و آمار دقیق از ازدواج های مختلط نمونه گیری به صورت در دسترس از بین زوجین مراجعه کننده به اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری تهران انتخاب شدند. گروه دوم نیز جهت مقایسه پس از انتخاب منطقه ۱۶ تهران به صورت تصادفی ساده از بین مناطق جنوبی (به علت نزدیک بودن بعضی مشخصات دموگرافی با گروه اول و هم‌چنین، بیش تر افراد انتخاب شده در گروه اول ساکن این مناطق بودند)، از بین زوجین عادی این منطقه به شیوه نمونه در دسترس انتخاب شدند. سعی شد مشخصات دموگرافی مانند سن، میزان تحصیلات، نوع اشتغال و مدت ازدواج در دو گروه کنترل شود، اگر چه این امر در تحلیل استفاده نشده است، ولی جهت معرفی جمعیت نمونه مفید می باشد. برای بررسی رابطه بین متغیرها، در فرضیه های پژوهش از روش های آمار توصیفی و بنا به ماهیت فرضیه ها و برای پاسخ به پرسش های پژوهش و جهت مقایسه میانگین ها و مجموع رتبه های دو گروه از آزمون t برای دو گروه مستقل و برای مقایسه میانگین سه گروه رضایتمندی بالا، پایین و متوسط آزمون X^2 (کا اسکوتر) استفاده گردید.

ابزار پژوهش

داده های لازم برای این پژوهش، از اجرای آزمون پرسشنامه رضایتمندی انریچ^۱ بدست آمد. این پرسشنامه به عنوان یک ابزار پژوهش معتبر در پژوهش های متعددی برای رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. آلسون از این پرسشنامه، برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نموده و بر این باور است که این مقیاس، مربوط به تغییراتی می شود که در طول دوره حیات آدمی رخ می دهد و هم‌چنین، در این خصوص به تغییراتی که در خانواده بوجود می آید، حساس است. هر یک از موضوع های این پرسشنامه، در ارتباط با یکی از زمینه های مهم است. ارزیابی این زمینه ها در درون یک رابطه زناشویی، می تواند مشکلات بالقوه زوج ها را توصیف کند یا می تواند زمینه های نیرومندی و

1 . Enrich

تقویت آنها را مشخص نماید. این ابزار هم‌چنین می‌تواند به عنوان یک ابزار تشخیصی برای زوج‌هایی که در جستجوی مشاوره زناشویی و به دنبال تقویت رابطه زناشویی خود هستند، استفاده شود. فرم اصلی پرسشنامه رضامندی زناشویی انریچ از ۱۱۵ پرسش و ۱۲ مقیاس تشکیل شده است که به جز مقیاس اول آن که ۵ پرسش دارد، بقیه مقیاس‌ها شامل ۱۰ پرسش است. دوازده خرده مقیاس این پرسشنامه به شرح زیر توصیف شده است:

تحریف آرمانی^۱، رضایت زناشویی^۲، موضوع‌های شخصیتی^۳، ارتباط زناشویی^۴، حل تعارض^۵، مدیریت مالی^۶، فعالیت‌های اوقات فراغت^۷، رابطه جنسی^۸، ازدواج و فرزندان^۹، خانواده و دوستان^{۱۰}، نقش‌های مساوات‌طلبی^{۱۱}، جهت‌گیری مذهبی^{۱۲}.

پاسخ به پرسش‌ها به صورت ۵ گزینه‌ای از (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) یا همان مقیاس لیکرت است.

السون (Olson, 1989) اعتبار این پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش، از فرم ۴۷ پرسشی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است. فرم کوتاه ۴۷ پرسشی پیش‌تر در پژوهش (Soleimani, 1373) استفاده شده و اعتبار آن مورد تأیید قرار گرفته بود. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ در آن مطالعه گزارش شده است. ضریب آلفای این فرم، در پژوهش (Mirkheshti, 1375) ۰/۹۲ و گفتنی است که ضریب آلفای این فرم در این پژوهش با حجم نمونه ۳۰ نفر ۰/۹۳ محاسبه شده است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، ۲۴۰ آزمودنی (۱۲۰ زن و ۱۲۰ مرد)، پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. سپس بر اساس اینکه جزء افرادی بودند که با هم ملیتی خود ازدواج کرده بودند یا نه در دو گروه ازدواج مختلط و ساده قرار گرفتند. برای توصیف بیشتر داده‌ها، ابتدا توزیع فراوانی آزمودنی‌ها به تفکیک

1. Idealistic distortion

2. Marital satisfaction

3. Personality issues

4. Marital codealistic distortion

5. Conflict resolution

6. Financial managment

7. Leisure activities

8. Sexual relationship

9. Marriage and children

10. Family and friend

11. Equalitarian roles

12. Religious orientation

گروه و جنس، سپس میانگین و انحراف استاندارد گروهها، بررسی داده های جمعیت شناختی، شاخص های توصیفی مربوط به سن، تحصیلات و ملیت دو گروه ارایه شده است. توزیع فراوانی آزمودنی ها بر حسب گروه در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱ - توزیع فراوانی آزمودنی ها بر حسب گروه

گروه	زن	مرد	فراوانی	درصد
مختلط	۶۰	۶۰	۱۲۰	۵۰
ساده	۶۰	۶۰	۱۲۰	۵۰
جمع	۱۲۰	۱۲۰	۲۴۰	۱۰۰

همان گونه که جدول ۱ نشان می دهد، در نمونه مورد بررسی تعداد دو گروه برابر با ۱۲۰ نفر (۵۰٪) زن و ۱۲۰ نفر (۵۰٪) مرد بود.

شاخص توصیفی میانگین و انحراف استاندارد سن آزمودنی ها به تفکیک گروهها در جدول ۲-۳ نشان داده شده است.

جدول ۲ - میانگین و انحراف استاندارد سن آزمودنی ها به تفکیک گروهها

گروه	میانگین	انحراف استاندارد
مختلط	۳۳/۶۷	۶/۲۲
ساده	۳۳/۳۲	۵/۵۵

همان گونه که جدول ۲ نشان می دهد، میانگین و انحراف استاندارد سنی گروه اول به ترتیب: ۳۳/۶۷ و ۶/۲۲ و میانگین و انحراف استاندارد سنی گروه دوم به ترتیب: ۳۳/۳۲ و ۵/۵۵ می باشد. شاخص توصیفی سن بر حسب گروهها در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳ - شاخص توصیفی سن بر حسب گروهها

متغیر	گروه مختلط		گروه ساده	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سن	۷۳	۶۰/۸	۷۹	۶۵/۸
	۴۷	۳۹/۲	۴۱	۳۴/۲

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نمونه مورد بررسی در گروه‌های مختلط و ساده به ترتیب ۶۰/۸ درصد (۷۳ نفر) و ۶۵/۸ (۷۹ نفر) در سنین ۲۰ تا ۳۵ سال و به ترتیب ۳۹/۲ (۴۷ نفر) و ۳۴/۲ (۴۱ نفر) در سنین ۳۶ تا ۴۰ سال قرار داشتند. شاخص توصیفی سطح تحصیلات بر حسب گروه‌ها در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴ - شاخص توصیفی سطح تحصیلات بر حسب گروه‌ها

متغیر	گروه مختلط		گروه ساده	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سطح تحصیلات دبیرستان و پایین‌تر	۴۸	۲۴/۲	۲۹	۴۰
دیپلم	۴۶	۵۵/۸	۶۷	۳۸/۳
فوق دیپلم	۱۳	۸/۳	۱۰	۱۰/۸
لیسانس و بالاتر	۱۳	۱۱/۷	۱۴	۱۰/۸

همان‌گونه که در جدول ۴ می‌بینید، از نظر سطح تحصیلات نیز در گروه مختلط ۴۸ نفر (۲۴/۲ درصد) دارای سطح تحصیلات دبیرستان و پایین‌تر، ۴۶ نفر (۵۵/۸ درصد) دیپلم، ۱۳ نفر (۸/۳ درصد) فوق دیپلم و ۱۳ نفر (۱۱/۷ درصد) لیسانس و بالاتر بودند و نمونه مورد بررسی در گروه ساده از نظر تحصیلات، دارای ۲۹ نفر (۴۰ درصد) در سطح تحصیلات دبیرستان و پایین‌تر، ۶۷ نفر (۳۸/۳ درصد) دیپلم، ۱۰ نفر (۱۰/۸ درصد) فوق دیپلم و ۱۴ نفر (۱۰/۸ درصد) لیسانس و بالاتر بودند.

برابر داده‌های جمع‌آوری شده از جامعه نمونه، تعداد و درصد بی‌سوادان در میان شوهران خارجی نسبت به شوهران ایرانی بیش‌تر است. البته، درصد بی‌سوادان در میان زنان ازدواج کرده با مردان خارجی نیز نسبت به زنان مزدوج با مردان ایرانی بیش‌تر است. این موضوع نشان‌دهنده این وضعیت است که بیش‌تر زنان دارای سطح تحصیلات پایین‌تر راغب به ازدواج با مردان خارجی بوده و هرچه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، از این رغبت کاسته می‌شود. شاخص توصیفی مربوط به ملیت در مردان گروه مختلط در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵ - شاخص توصیفی ملیت در مردان گروه مختلط

جنسیت	ملیت	فراوانی	درصد
	افغانی	۳۸	۳۱/۷
	عراقی	۱۵	۱۲/۵
	اماراتی	۱	۰/۸
گروه مختلط	مرد	۲	۱/۷
	بنگلادشی	۲	۱/۷
	پاکستانی	۲	۱/۷
	ترکیه ای	۱	۰/۸
	عربستانی	۱	۰/۸

همان گونه که در جدول ۵ می‌بینید، ۳۸ نفر (۳۱/۷ درصد) افغانی، ۱۵ نفر (۱۲/۵ درصد) عراقی، ۱ نفر (۰/۸ درصد) اماراتی، ۲ نفر (۱/۷ درصد) بنگلادشی، ۲ نفر (۱/۷ درصد) پاکستانی، ۱ نفر (۰/۸ درصد) ترکیه‌ای و ۱ نفر (۰/۸ درصد) عربستانی بودند. گروه ساده نیز متشکل از ملیت ایرانی بود. از نظر تابعیت، حداکثر مردان خارجی ازدواج کرده با زنان ایرانی و مردان تبعه افغانستان و عراقی تشکیل می‌دهند. وجود بحران‌های اجتماعی و سیاسی در این کشورها و باز بودن درهای کشور به روی مهاجرین و آوارگان از عوامل عمده مهاجرت گسترده این افراد به کشورمان بوده که متأسفانه به علت تداوم بحران در کشورهای مبدا و فراهم بودن شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران، حضور مهاجرین در کشور تداوم یافته و نتایجی چون بروز پدیده مورد مطالعه را بوجود آورده است.

جدول ۶ - آمار ازدواج های ثبت شده از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷

سال	آمار
۱۳۸۱	۷۹۳
۱۳۸۲	۶۴۱
۱۳۸۳	۷۸۴
۱۳۸۴	۲۳۴۹
۱۳۸۵	۲۴۳۲
۱۳۸۶	۴۱۶۸
۱۳۸۷	۱۸۸۲

بنا به آمار ثبت شده در اداره کل امور اتباع بیگانه وزارت کشور میزان ثبت ازدواج در دهه ۱۳۸۰، ۴۱۶۸ مورد در سال ۱۳۸۶، ۲۴۳۲ مورد در سال ۱۳۸۵، ۲۳۴۹ مورد در سال ۱۳۸۴،

۱۸۸۲ مورد در سال ۱۳۸۷، ۷۹۳ مورد در سال ۱۳۸۱، ۷۸۴ مورد در سال ۱۳۸۳ و ۶۴۱ مورد در سال ۱۳۸۲ می باشد.

بررسی داده‌های توصیفی

در این بخش، شاخص‌های توصیفی همچون میانگین و انحراف استاندارد، مقدار کمینه و بیشینه و دامنه نمره‌ها در هر یک از متغیرهای پژوهش آرایه شده است.

شاخص‌های توصیفی مربوط به رضایت زناشویی در افراد نمونه در دو گروه ازدواج مختلط و ساده در جدول ۱ منعکس شده است. ($N=240$)

گروهها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار بیشینه	مقدار کمینه	دامنه تغییرات
مونث	۱۲۰	۱۴۷.۵۵	۲۴.۳۰	۲۱۶	۸۸	۱۲۸
مذکر	۱۲۰	۱۵۴.۲۱	۱۸.۷۷	۱۹۶	۹۲	۱۰۴
مجموع	۲۴۰	۱۵۰.۸	۲۱.۹۲	۲۱۶	۸۸	۱۲۸

با توجه به نتایج جدول ۱، میانگین میزان رضایت زناشویی در مردان (۱۵۴.۲۱) اندکی بالاتر از زنان (۱۴۷.۵۵) بود.

شاخص‌های توصیفی مربوط به رضایت زناشویی در افراد نمونه بر حسب جنس در گروه ازدواج مختلط در جدول ۲ منعکس شده است. ($N=240$)

گروهها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار بیشینه	مقدار کمینه	دامنه تغییرات
مونث	۶۰	۱۳۷.۴	۲۴.۵	۱۸۵	۸۸	۹۷
مذکر	۶۰	۱۴۶.۳۱	۱۹.۱۱	۱۹۴	۹۲	۱۰۲
مجموع	۱۲۰	۱۴۱.۸	۲۲.۳۴	۱۹۴	۸۸	۱۰۶

با توجه به نتایج جدول ۲، میانگین میزان رضایت زناشویی در مردان (۱۴۶/۳۱) اندکی بالاتر از زنان (۱۳۷/۴) بود.

تحلیل آماری پرسش‌ها پژوهش

در این بخش، با استناد به یافته‌های بدست آمده، به بررسی وضعیت زناشویی در بین دو گروه به تفکیک جنس و آزمون فرضیه‌ها می‌پردازیم. برای بررسی رابطه بین متغیرها، در فرضیه‌های پژوهش از آزمون t برای دو گروه مستقل استفاده گردید. سپس به مقایسه دو گروه از لحاظ

متغیرهای مورد بررسی، پرداخته شد. همچنین، به بررسی رضایتمندی بین گروهها به طور جداگانه بر حسب جنس پرداختیم.

فرضیه نخست: میزان رضایتمندی زناشویی در گروه با ازدواج مختلط نسبت به گروه با ازدواج ساده کمتر است.

بمنظور بررسی میزان رضایتمندی زناشویی در دو گروه با ازدواج مختلط و ساده و بررسی نقش ۹ زیر مقیاس رضایت زناشویی (موضوعهای شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، خانواده و دوستان و جهت گیری مذهبی)، از آزمون t برای دو گروه مستقل استفاده شد. نتایج مربوط به آزمون t گروههای مستقل برای مقایسه میزان رضایت زناشویی در گروه با ازدواج مختلط و ساده در جدول ۳ نشان داده شده است.

گروهها	n	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری t
ازدواج مختلط	۶۰	۱۴۲	۲۲/۳۴	-۶/۹۸۵	۲۳۸	۰/۰۰۱
ازدواج ساده	۶۰	۱۶۰	۱۷/۳۷			

با توجه به نتایج آزمون t ارایه شده در جدول ۳ و شاخص توصیفی ارایه شده در جدول ۲، گروه ازدواج ساده نمره های بالاتری با میانگین ۱۶۰ نسبت به گروه ازدواج مختلط با میانگین ۱۴۲ بدست آوردند. بنابراین، همانگونه که در فرضیه نخست پژوهش پیشبینی شده بود، میزان رضایتمندی گروه دارای ازدواج ساده بیش از گروه با ازدواج مختلط در سطح معناداری ($P \leq 0/001$) بود.

نتایج آزمون X^2 بین سه سطح رضایتمندی بالا، پایین و متوسط در دو گروه با ازدواج مختلط و ساده در جدول ۴ نشان داده شده است.

گروهها	n	X^2	درجه آزادی	سطح معناداری t
ازدواج مختلط	۱۲۰	۴۹/۸۲۵	۲	۰/۰۰۰
ازدواج ساده	۱۲۰			

با توجه به نتایج آزمون X^2 ارایه شده در جدول ۴ بین سه سطح رضایتمندی بالا، پایین و متوسط در دو گروه با ازدواج مختلط و ساده توزیع یکنواختی دیده نمی شود.

نتایج وضعیت رضایتمندی زناشویی در دو گروه بر اساس ۹ زیر مقیاس رضایتمندی زناشویی در جدول ۵ نشان می‌دهد.

متغیر	گروه	n	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری t
موضوعات شخصیتی	مختلط	۱۲۰	۳/۰۴۱	۰/۶۷۸	-۲/۴۰	۲۳۸	۰/۰۰۷
	ساده	۱۲۰	۳/۲۶۶	۰/۵۵۹۰			
ارتباط زناشویی	مختلط	۱۲۰	۳/۰۹۱	۰/۶۹۸	-۲/۳۹۶	۲۳۸	۰/۰۱۷
	ساده	۱۲۰	۳/۳۱۶	۰/۷۵۵			
حل تعارض	مختلط	۱۲۰	۲/۹۴۱	۰/۸۹۱	-۵/۴۹۲	۲۳۸	۰/۰۰۰
	ساده	۱۲۰	۳/۵۱۶	۰/۷۲۱			
مدیریت مالی	مختلط	۱۲۰	۳/۱۵۰	۰/۹۲۲	-۲/۸۷۶	۲۳۸	۰/۰۰۴
	ساده	۱۲۰	۳/۴۶۶	۰/۷۷۷			
اوقات فراغت	مختلط	۱۲۰	۲/۹۷۵	۰/۷۶۱	-۵/۹۶۹	۲۳۸	۰/۰۰۰
	ساده	۱۲۰	۳/۵۴۱	۰/۷۰۸			
روابط جنسی	مختلط	۱۲۰	۳/۲۷۵	۰/۷۶۶	-۱/۹۱۲	۲۳۸	۰/۰۵۷
	ساده	۱۲۰	۳/۴۵۰	۰/۶۴۶			
ازدواج و فرزندان	مختلط	۱۲۰	۳/۲۰	۰/۹۷۵	-۲/۶۷۹	۲۳۸	۰/۰۰۸
	ساده	۱۲۰	۳/۵۳	۰/۹۵۲			
خانواده و دوستان	مختلط	۱۲۰	۲/۸۴۱	۰/۷۸۸	-۶/۵۵۴	۲۳۸	۰/۰۰۰
	ساده	۱۲۰	۳/۴۶۶	۰/۶۸۵			
جهت‌گیری مذهبی	مختلط	۱۲۰	۲/۹۰۸	۰/۷۷۷	-۶/۳۲۷	۲۳۸	۰/۰۰۰
	ساده	۱۲۰	۳/۴۸۳	۰/۶۲۱			

جدول ۵- وضعیت رضایتمندی زناشویی را در بین دو گروه مختلط و ساده مورد بررسی قرار داده است. این مقایسه که در ۹ مقیاس ابعاد رضایتمندی است. با استفاده از آزمون آماری t گروه‌های مستقل صورت گرفته است. نتایج بدست آمده از مقایسه نشان می‌دهد که به جز در زمینه روابط جنسی در سایر ابعاد از قبیل موضوع‌های شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، اوقات فراغت، ازدواج و فرزندان، جهت‌گیری مذهبی در دو گروه در سطح $(p < ۰/۰۰۵)$ و $(p < ۰/۰۰۱)$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: میزان رضایتمندی زناشویی زنان در گروه مختلط کمتر از زنان در گروه با ازدواج ساده می‌باشد.

نتایج آزمون t گروه‌های مستقل برای مقایسه میزان رضایتمندی زناشویی زنان در دو گروه در جدول ۶ نشان می‌دهد.

گروهها	n	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری t
زنان با ازدواج مختلط	۱۲۰	۱۳۷	۲۴.۵	-۵/۰۱	۱۱۸	۰/۰۰۱
زنان با ازدواج ساده	۱۲۰	۱۵۷	۱۹.۵			

با توجه به نتایج آزمون t ارایه شده در جدول ۶ و شاخص توصیفی ارایه شده در جدول ۱، مردان نسبت به زنان نمره‌های بالاتری در رضایتمندی بدست آوردند. بنابراین، همان‌گونه که در فرضیه دوم پژوهش پیش‌بینی شده بود، میزان رضایتمندی مردان بیش از زنان ($P < ۰/۰۰۱$) بود. نتایج آزمون X^2 بین سه سطح رضایتمندی بالا، پایین و متوسط در دو گروه زنان با ازدواج مختلط و ساده در جدول ۴-۴ نشان داده شده است.

جدول ۷ - نتایج آزمون X^2 بین سه سطح رضایتمندی بالا، پایین و متوسط در زنان دو گروه

گروهها	n	X^2	درجه آزادی	سطح معناداری t
ازدواج مختلط	۶۰	۳۵/۰۰۰	۲	۰/۰۰۰
ازدواج ساده	۶۰			

با توجه به نتایج آزمون X^2 ارایه شده در جدول ۷ بین سه سطح رضایتمندی بالا، پایین و متوسط در دو گروه با ازدواج مختلط و ساده توزیع یکنواختی دیده نمی‌شود.

فرضیه سوم: میزان رضایتمندی زناشویی مردان بیشتر از زنان در گروه با ازدواج مختلط می‌باشد.

جدول ۸- نتایج آزمون t گروه‌های مستقل برای مقایسه میزان رضایت‌مندی زناشویی زنان و

مردان						
گروه‌ها	n	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری t
زنان	۱۲۰	۱۳۷	۲۴/۵	-۲/۲۲۰	۱۱۸	۰/۰۲۸
مردان	۱۲۰	۱۴۶	۱۹/۱۱			

با توجه به نتایج آزمون t ارایه شده در جدول ۸ و شاخص توصیفی ارایه شده در جدول ۱، مردان نسبت به زنان نمره‌های بالاتری در رضایت‌مندی کسب کردند. بنابراین، همان‌گونه که در فرضیه دوم پژوهش پیش‌بینی شده بود، میزان رضایت‌مندی مردان بیش از زنان ($P < ۰/۰۰۵$) بود.

جدول ۹- وضعیت رضایت‌مندی زناشویی در بین دو گروه به تفکیک جنس

وضعیت رضایت‌مندی	گروه		مختلط	
	زنان	مردان	زنان	مردان
رضایت‌مندی بالا	۵/۰ درصد	۱۳/۳ درصد	۱۵/۰ درصد	۲۶/۷ درصد
رضایت‌مندی متوسط	۳۳/۳ درصد	۴۸/۳ درصد	۶۱/۷ درصد	۵۶/۷ درصد
رضایت‌مندی پایین	۶۱/۷ درصد	۳۸/۳ درصد	۲۳/۳ درصد	۱۶/۷ درصد

همان‌گونه که در جدول ۹ مشاهده شد، وضعیت رضایت‌مندی زناشویی در گروه مختلط: ۵/۰ درصد از زنان و ۱۳/۳ درصد از مردان دارای رضایت‌مندی بالا و ۳۳/۳ درصد از زنان و ۴۸/۳ درصد از مردان دارای رضایت‌مندی متوسط و ۶۱/۷ درصد از زنان و ۳۸/۳ درصد از مردان دارای رضایت‌مندی پایین هستند.

وضعیت رضایت‌مندی زناشویی در گروه ساده: ۱۵/۰ درصد از زنان و ۲۶/۷ درصد از مردان دارای رضایت‌مندی بالا و ۶۱/۷ درصد از زنان و ۵۶/۷ درصد از مردان دارای رضایت‌مندی متوسط و ۲۳/۳ درصد از زنان و ۱۶/۷ درصد از مردان دارای رضایت‌مندی پایین هستند.

بحث و نتیجه گیری

هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند اگر از خانواده ای سالم برخوردار نباشد و هیچ یک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تاثیر خانواده پدید آید و در حقیقت حفظ و تداوم این نهاد مقدس در گرو تداوم رابطه بین زن و شوهر است. میلیون ها انسان با عشق زندگی مشترک خود را شروع می کنند و آنچه پس از ازدواج روابط زوج ها را تحت تاثیر قرار می دهد، رضایت زناشویی است، از سوی دیگر، استواری و استحکام خانواده به ازدواج و رابطه زناشویی پایدار و بنیادین بستگی دارد؛ یعنی هر گونه تزلزل و سستی در رضایت زناشویی و یا وجود یک ازدواج ناموفق افزون بر آن که آرامش روانی زوج ها را مختل می کند، بقا و دوام خانواده را نیز در معرض تهدید قرار می دهد. پس رضایتمندی زناشویی یکی از مؤلفه های مهم استحکام خانواده است که از رویدادها و پیش آمدهای گوناگونی تأثیر می پذیرد. یکی از این مؤلفه ها همسانی و شباهت بین زوجین است. هر چه همسانی در فرد هنگام ازدواج بیشتر باشد، میزان درگیری و بروز تعارضات در بین آنها کمتر خواهد بود، چرا که ناهمسانی دو همسر می تواند اختلافاتی را بوجود آورد. دو انسانی که از خاستگاه متفاوت اجتماعی برخاسته اند، هر یک با ارزش های خاصی پرورش یافته اند، عادات خاصی دارند و حتی جهان بینی آنها با یکدیگر متفاوت است (Sarokhany, 1379).

پس تأکید بر همسانی و شباهت ها عاملی برای رضایت زناشویی و تداوم زندگی است. از مهم ترین دلایل کمتر بودن میزان رضایتمندی زناشویی در ازدواج های مختلط، وجود تفاوت بین زوجین از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، نژادی و مذهبی است. هم چنین، مشکلاتی است که این زوج ها از لحاظ اشتغال، سطح درآمد و تأمین نیازهای اولیه زندگی، عدم پذیرش اجتماعی، عدم وجود حمایت های قانونی از این خانواده ها و از سوی دیگر، احساس ترس از متلاشی شدن خانواده به دلیل امکان مهاجرت همسر به کشور خود و عدم اجازه برای اقامت همسر به وسیله دولت می تواند باشد.

همان گونه که ملاحظه شد، در گروه با ازدواج مختلط، حدود ۵/۰ درصد از زنان و ۱۳/۳ درصد از مردان دارای رضایتمندی بالا و ۳۳/۳ درصد از زنان و ۴۸/۳ از مردان دارای رضایتمندی متوسط به این معنی که این افراد از زندگی زناشویی خود گاهی راضی و گاهی ناراضی هستند و ۶۱/۷ درصد از زنان و ۳۸/۳ درصد از مردان دارای رضایتمندی پایین هستند و در گروه ساده: ۱۵/۰ درصد از زنان و ۲۶/۷ درصد از مردان دارای رضایتمندی بالا و ۶۱/۷ درصد از زنان و ۵۶/۷ درصد از مردان دارای رضایتمندی متوسط و ۲۳/۳ درصد از زنان و ۱۶/۷ درصد از مردان دارای رضایتمندی پایین هستند.

در خصوص فرضیه نخست، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، میزان رضایت‌مندی گروه دارای ازدواج ساده بیش از گروه با ازدواج مختلط است. این مطلب اشاره دارد به اینکه مردان و زنان دارای ازدواج مختلط رضایت‌مندی زناشویی پایین‌تری را نشان داده‌اند. و این با نتایج قلی زاده (Gholizadeh, 1956) همسو است که به نقش همسان همسری در ثبات زندگی زناشویی پرداخته است. وی به این نتیجه رسید که همسانی در عشق، مذهب، سن، موقعیت اجتماعی و نوع نگرش از عوامل رضایت‌مندی زناشویی می‌باشد.

نتایج مطالعات شنگ و یامامورا (Yamamura, Quotes by Sarokhany 2001) درباره زناشویی میان نژادهای گوناگون و پدیده طلاق در هاوایی، نشان دادند که «هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر سخت تر باشند، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کمتر است» در خصوص فرضیه دوم، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، میزان رضایت‌مندی زنان دارای ازدواج ساده بیش از گروه با ازدواج مختلط است. این مطلب اشاره دارد به اینکه زنان دارای ازدواج مختلط رضایت‌مندی زناشویی پایین‌تری را نشان داده‌اند. این با نتایج پژوهش‌های اشاره شده در زمینه همسان همسری و تفاوت‌های جنسی همسو می‌باشد.

در خصوص فرضیه سوم، آنچه در این بررسی به طور آشکاری مشاهده شد، این است که میزان رضایت‌مندی زناشویی زنان کمتر از مردان است. هر چند زوجین تقریباً با مسایل مشابهی مواجه می‌شوند، ولی چگونگی واکنش به تعارضات و یا حل آن‌ها، متفاوت است. با وجود تمایلی که برای هماهنگی و توافق بین زوجین وجود دارد، پژوهش‌ها نشان داده است که تفاوت‌های جنسی در ثبات ازدواج نقش اساسی بازی می‌کند (Ahmad, p.50, 2005). علت این امر ممکن است این‌گونه توضیح داده شود که زنان در مواجهه با مردان با مشکلات، از نظر عاطفی بهتر می‌توانند آنها را حمایت کنند و مردان در این زمینه ضعیف‌تر ظاهر می‌شوند (Antill, 1983). این یافته پژوهش، همسو با نتایج فاورز (Fowers, 1991) است که نشان می‌دهد مردان بیش از زنان، ازدواج خود را با توجه به شاخص‌های مالی، والدینی، خانواده، دوستان و شخصیت همسر خود مثبت‌تر گزارش نموده و رضایت بیش‌تری از روابط زناشویی دارند. همچنین، پژوهش سلیمانیان (Soleimani, 1995) که نشان داد میزان رضایت از زندگی زناشویی در مردان بیش‌تر از زنان است نیز با این پژوهش همسو می‌باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود: با توجه به افزایش ازدواج‌های مختلط و اهمیت خانواده، لازم است آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی در مورد مشکلات ازدواج‌های مختلط و قوانین مربوط به آن صورت گیرد. برای زوجینی که دچار رضایت‌مندی زناشویی پایین هستند، خدمات مشاوره و روان‌درمانی خانواده و برای آن دسته از زوجینی که از زندگی زناشویی خود، رضایت

متوسط دارند، به این معنی که این افراد از زندگی زناشویی خود گاهی راضی و گاهی ناراضی هستند و احتمال آسیب دیدن روابط زناشویی برای آنها بیش تر است، برنامه های آموزش زوجین برای دست یافتن به زندگی بهتر تدارک دیده شود. جهت پیشگیری از ناراضی زناشویی، آگاهی جوانان بویژه زنان از پیامدهای حقوقی این گونه ازدواج ها و آموزش جوانان و زوجین جوان در زمینه تصمیم گیری و انتخاب همسر و ضرورت تأمل و مطالعه بیش تر درباره آن لازم است.

تشکر و قدردانی

در پایان لازم می دانم از تمامی زوجینی که در این طرح پژوهشی همکاری کردند، اداره کل امور اتباع بیگانه وزارت کشور و استانداری و دانشگاه تربیت مدرس که زمینه اجرای پژوهش را فراهم نمود، تقدیر و تشکر نمایم.

References

1. Abdullah Zadeh (2005), investigated the relationship between personality characteristics and marital satisfaction in couples Damghan. Senior Thesis. Tabriz University, Tabriz. (Persian)
2. Ahmad Kh (2005), the effect of intervention on lifestyle changes to reduce marital conflict, Ph.D. Thesis, Tehran: Allameh Tabatabai. (Persian).
3. Attari YA, Amanollahifard A, mehrabizadeh Honarmand M. Relationship between personality characteristics and individual factors: A Family with marital satisfaction in the state personnel office in Ahvaz, J Sci Educ psycho 2006: 3: 81-108. (Persian)
4. Bradbery, N.T. Fincham, D.F, Beack, R.S.(2005). Research on the nature and determinants of marital Satisfaction: A decade in review, Journal of marriage and Family. 62, 964-98.
5. Coombs R. marital status and personal well-Being: Aliterture Review Family Relations 1999, 40:97-102.
6. Cumming SM and O'Relly WA. Fathers in family context:effectsof marital Quality on child adjustment in the role of the father in child Development. Edited by 7-Michael E. Lamb. John Wiley and sons, New York, 1997. P. 863-891.
7. Epstein, B. ET AL. 2005. "Relationship standards andmarital satisfaction in chines and American couples," Journal of Marital and Family Therapy. Upland: Vol. 31, pp:59-75.
8. Fathi Ashtiani, A., Ahmad, Kh (2005). Of successful and unsuccessful marriages among students, academic journal - Journal of Shahed University, No. 7, pp. 16-9. (Pesian)
9. Fowers, B.J., 1991. His and her Marriage: A multivariate study of gender and marital satisfaction. Sexb Roles. Vol.24.pp.209-221.

10. Gholizadeh, December 0.1378, "roles of wife matched the success of marriage." Proceedings of The First National Marriage, Isfahan University Branch.Press.
11. Goldenberg, Irene Goldenberg and Herbert. (2000), family therapy. Translators: Shahi Baravat, classification of Hussein, S., and venerable, inspiring. (1382). (Persion).
12. Hakimi Mohammad Hadi. 1988 Salary Survey of Afghan marriages with Iran, published in the science of light.
13. Jenifer L. Bratter & Karl Eschbach.(2006). What about the couple?Interracial marriage and Psychological distress, *Journal of Social Science Research*, 35,1025-1047.
- 14.Mirowsky, J., Ross, C., 1989. Social causes of psychological distress. Aldine de Gruyter, New York.
15. Mahmoudi, Mohammad Saeed 0.1387, "Effects of physical properties - Location (apartments) on mental health and marital satisfaction of couples ".The Master Letters of General Psychology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modarres University.
16. monadi, M. In 1383. Conceptions and definitions of the same couples in marital satisfaction from the perspective of women, Women's Studies, No. 4.
17. Mir bakhshi, fereshteh. 1375, "The relationship between marital satisfaction and mental health", MS Thesis, Discipline of Psychology, Tehran University Roodehen.
18. Olson, D.H.(1989). Families: What makes them work. New York: Hamiliton.
16. Park, R., (1928). Human migration and the marginal man. *American Journal of Sociology*, 881-893.
19. Porterfield, E., (1928). Black-American intermarriage in the United States. Marriage and Family Review 5, 17-34.
20. Root, M., (2001). Loves revolution. Temple University press, Philadelphia, PA.
- 21- Sarokhany, B. (2001), Introduction to Family Sociology, Tehran: Soroush. (Persian).
22. Shakerian, ATA, Fatemi, Adel, Farhadian, Mukhtar (1390). Relationship between personality characteristics and marital satisfaction, *Journal of Kurdistan University of Medical Sciences*, No. 16, pp. 92-99.
23. Sherkat, D.E.(2004).Religious intermarriage in the United States:Trends, Patterns, and predictors. *Journal of Social science Research*, 90,3,563-573.
24. Shiota MN and Levenson RW. Birds of feader don't always fly farther: similarity in big five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long term marriages. *Journal of psychology and Aging*. 2007;22:666-675.

25. Sinha. P,& Mukerjec .n (1990). Marital adjustment and space orientation, *Journal of Social Psychology* 130(5)-633-639.
26. Soleimanian, AA (1995), Effect of irrational thinking on marital dissatisfaction, MS Thesis, Tehran Teacher Training University. (Persian)
27. Stonequist, E., (1935) .The problem of the marginal man. *American Journal of Sociology*, Vol 41, PP.

